شنبه ۱۶ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۴۶ ■ سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

راه‌اندازی زیست‌بوم کارآفرینی در مدارس

نشست «آفرینش زیست‌بوم کارآفرینی در آموزش و پرورش» با حضور جمعی از استادان دانشگاه، کارشناسان و فعالان حوزه کارآفرینی، با هدف بررسی راهکارهای ورود آموزش کارآفرینی و مهارت‌های نوآورانه به نظام آموزشی کشور برگزار شد. در این نشست، جزئیات طرحی برای آموزش مهارت‌های کارآفرینی به دانش‌آموزان از پایه هفتم و اجرای آزمایشی آن در مدارس منطقه یک تهران تشریح شد.

رضا رایان‌راد، کارآفرین و بنیان‌گذار بهگشت کارآمد و مدیر میز پیوند آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در اندیشکده دانا، مدیریت این نشست را بر عهده داشت. رضا رایان‌راد در گفت‌وگو با خبرآنلاین، با اشاره به ضرورت تغییر رویکرد نظام آموزشی کشور، می‌گوید: «آموزش و پرورش به‌طور سنتی بیشتر بر آموزش نظری و تئوریک متمرکز بوده و بخش مهارتی آن نیز عمدتاً به آموزش مهارت‌های فنی در هنرستان‌ها اختصاص داشته است؛ درحالی‌که کارآفرینی به مجموعه‌ای از مهارت‌های متفاوت، از جمله حل مسئله، خلاقیت و توانایی تبدیل راهکارهای نوآورانه به کسب‌وکار نیاز دارد.»

به گفته رایان‌راد، هدف از ایجاد زیست‌بوم کارآفرینی در آموزش و پرورش، آموزش مهارت‌هایی است که تاکنون کمتر در نظام آموزشی مورد توجه قرار گرفته‌اند؛ مهارت‌هایی که علاوه بر کمک به حل مسائل کشور، ظرفیت ایجاد اشتغال پایدار را نیز دارند. این موضوع با توجه به هدف برنامه هفتم پیشرفت برای اختصاص ۱۰ درصد از اقتصاد کشور به اقتصاد دانش‌بنیان، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.



مدیر نشست در تشریح برنامه مشترک با معاونت آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش، از توافق برای اجرای طرحی با عنوان «جهانی شو» خبر می‌دهد و می‌گوید: «این پروژه با چهار محور اصلی، به دنبال آموزش مهارت‌هایی است که دانش‌آموزان را برای حضور در بازار کار آینده و فعالیت در اقتصاد دانش‌بنیان آماده می‌کند؛ که عبارتند از: نخستین محور، آموزش زبان انگلیسی به دانش‌آموزان از پایه هفتم تا دهم است. در این برنامه، زبان انگلیسی به‌عنوان یکی از پیش‌نیازهای حضور در فضای کسب‌وکارهای فناورانه و بازار کار جهانی مورد توجه قرار گرفته است. هدف آن است که دانش‌آموزان طی چهار سال بتوانند متون تخصصی و دوره‌های آموزشی انگلیسی‌زبان را درک کنند و در ادامه مهارت‌های نوشتاری و گفتاری خود را نیز توسعه دهند. کسب نمره ٦ در آزمون آیلتس، به‌عنوان یکی از خروجی‌های مورد انتظار این بخش مطرح شده است.

محور دوم، آموزش مهارت‌های نرم و مهارت‌های مورد نیاز بازار کار آینده بر اساس استانداردهای مجمع جهانی اقتصاد است. مهارت‌هایی مانند کار تیمی، خلاقیت، نوآوری، حل مسئله، هوش مصنوعی، امنیت اطلاعات و زبان‌های خارجی در این بخش آموزش داده خواهند شد.

سومین محور به آموزش کارآفرینی و ارزش‌آفرینی نوآورانه اختصاص دارد. این بخش قرار است از طریق پژوهش‌سراهای آموزش و پرورش و برای دانش‌آموزان علاقه‌مند به حوزه کارآفرینی اجرا شود.

چهارمین محور نیز برگزاری رویدادهای حل مسئله است. در این رویدادها، مسائل واقعی پیش روی جامعه در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا در قالب تیم‌های چهار نفره و با استفاده از اینترنت و ابزارهای هوش مصنوعی، برای آن‌ها راهکار ارائه کنند. دانش‌آموزان علاوه بر طراحی راه‌حل، باید طرح کسب‌وکار، برنامه بازاریابی، شیوه جذب سرمایه‌گذار و ارائه نهایی ایده خود را نیز آماده کنند.»

رایان‌راد این بخش را از نظر ساختار شبیه به المپیادهای علمی می‌داند؛ با این تفاوت که به‌جای سنجش صرف دانش نظری، توانایی حل مسئله، تجاری‌سازی ایده و خلق ارزش اقتصادی دانش‌آموزان ارزیابی خواهد شد.

روایت تکان دهنده مادر یکی از شهدای دانش‌آموز میناب از آخرین خداحافظی

مادر شهیده رها زارعی، دانش‌آموز کلاس اول مدرسه شجره طیبه میناب، از آخرین خداحافظی با جگرگوشه اش و لحظات سختی می‌گوید که پس از ساعت‌ها بی‌خبری، به جای بوسیدن تنها فرزندش، کفش و لباس‌های غرق خونش را به آغوش گرفت.

به گزارش ایسنا، فریبا بسطام، مادر شهیده رها زارعی از خانواده بزرگ نظام سلامت است، با بغض می‌گوید پنج سال انتظار کشید تا خداوند رهای زیبا را با چشم‌های قشنگش به او هدیه داد؛ دختری که بزرگ شدنش را به دلیل شیفت‌های کاری و دوری‌های ناخواسته، آن‌طور که آرزو داشت، ندید.

وی با اشاره به شب پیش از روز فاجعه و جنایت امریکایی صهیونی می‌گوید: شب قبل از حادثه شیفت بودم. ساعت هفت شب از رها خداحافظی کردم تا به سر کار بروم. مثل همیشه یک خداحافظی معمولی بود؛ حتی بچه‌ام را در آغوش نگرفتم. فقط گفتم مامان، من می‌روم و فردا برمی‌گردم.

او ادامه می‌دهد: همسرم هر روز صبح رها را به مدرسه می‌برد. رها طبق روال همیشه صدقه می‌داد و قرآن را می‌بوسید. آن روز صبح دخترم را ندیدم. بعد از اینکه از سر کار آمدم، در خانه استراحت کردم تا اینکه ساعت ۱۱:۲۰ گوشی‌ام زنگ خورد.

مادر شهیده رها زارعی می‌گوید: معلم رها تماس گرفته بود، اما هیچ صدایی به من



نمی‌رسید؛ تماس قطع شد و وقتی دوباره تماس گرفتم، گوشی از دسترس خارج بود.

مادر این دانش آموز شهید میناب با یادآوری لحظات حمله به مدرسه می‌گوید: فکر کردم زلزله شده است. همسایه‌ها گفتند مدرسه را زده‌اند. او که با شنیدن خبر حمله به مدرسه، خود را به محل حادثه رسانده بود، گریه کنان ادامه می‌دهد: وقتی می‌خواستم از راهروی سمت پسرها وارد مدرسه شوم، حرارت آن‌قدر زیاد بود که مرا به عقب پرت کرد. مدام «یا حسین » می‌گفتم و از او می‌خواستم بچه‌ام را نجات دهد.

او با اشاره به تلاش‌هایش برای یافتن دخترش در بیمارستان می‌گوید: واقعاً نمی‌فهمیدم رهای من رفته و شهید شده است. همکارانم در سیریک تماس گرفتند و گفتند مجروحان در بیمارستان هستند. به بیمارستان رفتم و تمام کاورها را باز کردم و بخش‌ها را دانه‌به‌دانه گشتم تا ببینم رها آنجاست یا نه؛ اما رها نبود. بسطام با نفس گرفته ادامه می‌دهد: به سردخانه رفتم و تمام کشوها را بیرون کشیدم. در هر کشو و هر کاور، دو جسد از بچه‌ها بود. من فقط کفش‌ها و لباسها را نگاه می‌کردم تا ببینم رها آن روز صبح کفش سفید و شلوار ورزشی سبز پوشیده بود یا نه.

او می‌گوید: رها نبود و خوشحال بودم. با خودم گفتم پس رهای من زنده است. مرا به خانه بردند و گفتند در خانه بمان تا خبرت کنیم. ساعت پنج بعدازظهر به من خبر دادند که پیکر رها را پیدا کرده‌اند. مادر شهیده رها زارعی با اشاره به آخرین خداحافظی با دخترش می‌گوید: شاید همه مادران آن صبح با بچه‌هایشان خداحافظی کردند، دست بچه‌هایشان را بوسیدند، موهای دخترشان را شانه کردند و بند کفش بچه‌شان را بستند؛ اما من آن صبح رها را ندیدم تا ساعت پنج عصر که پیکر بچه‌ام را در کانتینر دیدم.

این تنها روایت یک مادر داغدار نیست؛ صدای مظلومیت نسلی است که حق زندگی، آموختن و ساختن آینده از آن‌ها سلب شد.

معرفی کتاب

سفر دریایی لی‌لی اثر پاتریشیا رایلی‌گیف

«سفر دریایی لی‌لی» داستانی تاریخی درباره جنگ، کودکی، دوستی، دروغ، فقدان، پناهندگی و مسئولیت است. داستان در تابستان سال ۱۹٤٤، در میانه جنگ جهانی دوم اتفاق می‌افتد اما جنگ در این رمان بیشتر از آنکه در میدان نبرد دیده شود، در زندگی روزمره کودکانی دیده می‌شود که در خانه مانده‌اند.



قهرمان داستان، لی‌لی، دختری ده‌ساله است که تابستان را همراه پدر و مادربزرگش در خانه تابستانی خانواده می‌گذراند. برای لی‌لی، تابستان یعنی دریا، ساحل، بازی، ماهیگیری و بودن در کنار پدرش. اما تابستان سال ۱۹٤٤ با سال‌های پیش فرق دارد. جنگ همه چیز را تغییر داده است. بهترین دوست لی‌لی رفته و پدر لی‌لی نیز قرار است برای خدمت به جنگ برود. برای لی‌لی، جنگ ابتدا معنایی بسیار شخصی دارد، ترس از دست دادن پدر. او هنوز نمی‌تواند جنگ را مانند بزرگسالان بفهمد. نمی‌تواند درباره سیاست، کشورها یا دلایل جنگ تحلیل کند. او فقط می‌داند که پدرش قرار است خانه را ترک کند و نمی‌داند چه زمانی برمی‌گردد. بنابراین جنگ در زندگی او به شکل یک غیبت ظاهر می‌شود، پدری که دیگر در خانه نیست، نامه‌هایی که از راه دور می‌رسند و ترسی دائمی که شاید این جدایی همیشگی باشد. لی‌لی دختری خیال‌پرداز است. او دوست دارد داستان بسازد و گاهی برای اینکه خودش را بزرگ‌تر، جالب‌تر یا شجاع‌تر نشان دهد، چیزهایی می‌گوید که حقیقت ندارند. دروغ‌های او در ابتدا خطرناک نیستند. بیشتر شبیه خیال‌پردازی‌های یک کودک‌اند، کودکی که می‌خواهد توجه دیگران را جلب کند یا ضعف‌ها و ترس‌های خودش را پنهان کند. یکی از ویژگی‌های مهم رمان این است که نویسنده مسئله دروغ را به یک درس اخلاقی ساده تبدیل نمی‌کند. او نشان می‌دهد که چرا کودکان دروغ می‌گویند و چگونه یک دروغ کوچک می‌تواند به تدریج پیامدهایی جدی پیدا کند.

گزیده‌هایی از کتاب:

لی‌لی وسط خلیج بود. مرداب را بدون این‌که ببیند رد کرده بود و به آن طرف کانال می‌رفت. حالا کشش دریا خیلی قوی‌تر بود و با اینکه چند تا پارو بیشتر نزده بود، وقتی عقب را نگاه می‌کرد دیگر نمی‌توانست وروی خلیج را ببیند. برای لحظه‌ای نورهای درهم و برهمی از چراغ‌های بلند روی گذرگاه تخته‌ای دید. اما بعد با سر خوردن قایق در شیب یک موج، دوباره محو شدند.

تاکید اسلام بر آموزش ذکر لا اله الا الله به کودک در سه سالگی



آموزش مفاهیم دینی به کودک از نخستین سال‌های زندگی اهمیت ویژه‌ای دارد. در روایتی از امام باقر(ع)، بر آموزش ذکر توحیدی «لا اله الا الله» به کودک در سه‌سالگی تأکید شده است؛ توصیه‌ای تربیتی که می‌تواند سرآغاز آشنایی فرزند با مفهوم توحید باشد.

به گزارش حوزه، دوران کودکی، فرصتی ارزشمند برای شکل‌گیری عادت‌ها و آشنایی تدریجی فرزند با مفاهیم بنیادین زندگی است. در آموزه‌های اسلامی نیز برای این مرحله از رشد کودک، توصیه‌های تربیتی مشخصی بیان شده است. یکی از این توصیه‌ها، آموزش ذکر شریف تهلیل در سه‌سالگی است؛ ذکری که با عبارت «لا اله الا الله» آغاز می‌شود و بیانگر بنیادی‌ترین اصل اعتقادی اسلام، یعنی یکتاپرستی است. از امام باقر(ع) درباره آموزش نخستین اذکار به کودک چنین نقل شده است: «هنگامی که کودک به سه‌سالگی رسید، به او گفته شود هفت مرتبه ذکر «لا اله الا الله» را بر زبان بیاورد؛ سپس او را رها کنند.»

مرحوم آیت‌الله‌العظمی مجتبی تهرانی در تبیین اخلاقی این روایت، به اهمیت دوران آغاز سخن گفتن کودک اشاره می‌کند. در این سن، معمولاً کودک توانایی بیشتری برای یادگیری و بیان واژه‌ها پیدا می‌کند. از همین رو، در این روایت توصیه شده است که ذکر توحید به‌عنوان یکی از نخستین کلمات آموزشی به او آموخته شود.

بر اساس توضیح ایشان، تکرار هفت‌باره این ذکر، فرصتی برای آشنایی و انس بیشتر کودک با کلمه توحید فراهم می‌کند. نکته قابل توجه در این روایت، تأکید بر تکرار هفت‌باره ذکر «لا اله الا الله» است. پس از آنکه کودک این عبارت را هفت مرتبه بیان کرد، دیگر نباید او را به تکرار بیشتر وادار کرد.این شیوه، در کنار توجه به ظرفیت کودک، بر اهمیت آغاز تربیت دینی با کلمه توحید تأکید دارد؛ حقیقتی که می‌تواند به‌تدریج در فضای زندگی و تربیت معنوی فرزند جایگاه پیدا کند.

اداره کل ... [illegible]
هیئت موضوع قانون تشکیل و صلاحیت شورای حل اختلاف و شعب شورای حل اختلاف
تبلیغ موضوع ماده ... قانون ... [illegible]
... [illegible]
صدیقه ... [illegible]
تاریخ انتشار نوبت دوم: ...
م الف ...
تاریخ انتشار نوبت اول: ...
... [illegible]